

جنبش اصلاح طلبی که در ابتدای پیدایش خود جرقه‌های امید و امکان تحقق مسالمت آمیز مطالبات و آرزوهای بخش‌هایی از مردم و دانشجویان را شعله‌ور و برانگیخته بود اکنون به پایان خویش نزدیک می‌شود. در طی چند ساله اخیر اصلاح طلبان حکومتی که آرزوی جزدگرگونی محدود و روبنایی سیاسی و تغییرات درون حکومتی نداشته‌اند تنها در دستیابی به اهداف کوتاه و بلند مدت خود موفقیتی کسب ننموده‌اند بلکه همواره از موضعی تدافعی تر از گذشته به تخلیه سنگرهای خویش پرداخته‌اند و همگرایی خویش را با انحصار طلبان پررنگتر کرده‌اند. این روند حتی زمانی که تعارض سیاسی و تنش میان حکومتیان و دانشجویان به نقطه اوج خود میرسد ادامه می‌یابد. گویی رفورمیست‌های حکومتی رسالتی جز همسویی با جناح رقیب برای آرام نمودن و مدنی کردن! اعتراضات و مطالبات برحق دانشجویان جوانان و معلمان و... ندارند. هراس از او جگیری و خروج از شعاع کنترل حرکات اخیر دانشجویی مطبوعات و رسانه‌های این طیف را به سکوت و همگامی ضمنی با انحصار طلبان در برابر موج جدید سرکوب فرزندان برومند و آگاه زحمتکشان کشیده است. بارزترین و شاخص‌ترین تبلور جدایی منافع و تمایلات رفورمیست‌های حکومتی با دانشجویان را می‌توان در حضور همیشگی و شتابزده خاتمی در اجتماعات این طیف و دعوت به مسالمت و رعایت همزیستی مسالمت‌آمیز! با سرکوبگران حاکم مشاهده نمود. اما حرکات اعتراضی دانشجویان که همواره بیان و تجسمی از رنج‌های مردم ستم‌زده ایران بوده و هست و ارتباطی بی‌واسطه با آمال و مطالبات زحمتکشان بلازده دارد هرگز اعتنایی به معاملات جاری در دایره قدرت نداشته است و بی‌توجه به آن خواست‌ها و مطالبات برحق و بنیادین خویش را پی گرفته‌اند. تاکید مجدد بر استقلال این طیف پیشرو و آگاه جامعه در پروسه اعتراضات گسترده سراسری طی چند هفته اخیر بیانی متفاوت‌تر از همیشه بر جدایی این دو تفکر بوده است. در واقع پروسه یاس و سرخوردگی و از طیف اصلاح طلبان در سال‌های اخیر با خروش دمکراتیک دانشجویان به رژیم نقطه عطفی بر مناسبات رفورمیست‌های حکومتی با دانشجویان در کلیت خویش بوده است و دایره قدرت و ستون‌های کاخ استبداد را به لرزه انداخته است. هراس از سقوط و نیستی را برای انحصار طلبان به ارمغان آورده است و پایانی بر رویاهای اصلاح طلبان رقم زده است. تکاپو و جستجوی هم‌پیمانان جدید در عرصه اپوزیسیون توسط این طیف بیانگر بن بست نظری این تفکر با مولفه‌هایی همانند همزیستی" و مماشات با حکومت آلوده و سیاه جمهوری اسلامیست و تاکید دوباره بر اینکه خواست‌ها و آرزوهای این طیف مطابقی با مطالبات و اراده دانشجویان که در پیوندی جدایی‌ناپذیر با خواسته‌های برحق و عدالت‌جویانه و عمومی در سطح جامعه می‌باشد ندارد و پیام اعتراضات سراسری این طیف در طی هفته‌های گذشته برای رفورمیست‌ها که همانا تاکید آشکار بر استقلال جنبش آنان از معادلات و معاملات میان جناحین حاکمیت است که طیف

اصلاح طلبان را چنین سراسیمه به جستجو در عرصه اپوزیسیون برای ائتلاف‌های جدید واداشته است و تئوری پردازان این طیف بطور ضمنی شرایط پذیرش و معامله با این نیروها عدم دین ستیزی و اعتقاد به کلیت حاکمیت و فراموشی کینه‌های ناشی از کشتارهای اوایل انقلاب!!!! و در واقع اقدامات جنایت کارانه رژیم در به خاک و خون کشیدن دهها هزار تن از بهترین فرزندان این مرز و بوم میدانند *

بی تردید اصلاح طلبان حکومتی به شکاف عمیق خود با توده دانشجویان پی برده اند این شکاف شکافی است در جبهه دوم خرداد که بازوی توانای آن یعنی بخشی بزرگ از دانش جویان را با ناتوانی و مماشات با انحصار طلبان از دست داده است * این گسست از ابتدای ائتلاف ناهمگون این طیف بخوبی قابل پیش بینی بود در واقع میان دانشجویان و سایر نیروهای مؤتلفه جبهه دوم خرداد منافع استراتژیک مشترکی وجود نداشت و در نهایت هریک از اجزا این طیف رسالتی متمایز از دیگری برای خود قایل بوده اند جنبش دانش جویی به عنوان یک طبقه اجتماعی با منافع مشخص طبقاتی در این ائتلاف مشارکت ننمود و در این راستا در این پروسه در خدمت علایق برخی از طبقات و لایه های اجتماعی این جبهه قرار گرفت * اجزای ائتلاف همواره در مقاطع مختلف از پتانسیل نهفته در طیف دانشجویان بهره مند بوده اند بدون آنکه به تمایلات آنان بعنوان پیشگامان مبارزات دمکراتیک جاری پردازند * در واقع جبهه دوم خرداد در مقطعی از زمان که شدت و حدت سرکوب و ترور اندیشه و انسانها تنها مجاری قانونی بیان نظرات متفاوت را امکان پذیر مینمود ضرورت وجودی پیدا کرد بدون آنکه منافع غایی مشترکی را میان اجزای آن در نظر داشته باشد و اتصالات مذهبی و خروج از خفقان و انحصار تمامیت خواهان بعنوان اقلیتی سرکوبگر که حتی برای خودیها نیز حقوقی در نظر نمیگرفت گویای تجمع آنان شد و این ائتلاف هرگز از ابتدای شکل گیری آن نیز بیانگر استراتژی و کعبه آمال مشترک آنان نبوده است * جنبش دانشجویی در هر گام از خروش و مبارزات دمکراتیک خود بیش از پیش به استقلال و رسالت دمکراتیک خویش که همانا دوری از زد و بند های درونی و سازشکارانه اجزای دیگر در برابر نیل به آزادی و عدالت اجتماعی بوده است نزدیکتر شده است * تشکلهای دانشجویی این جناح در حقیقت متأثر از خود بخودی و ویژگی دمکراتیک و مردمی این طیف آگاه و پیشرو رفته رفته از خصلت مذهبی خود خروج نمود و بیش از گذشته به شعارهای عمومی مطرح در جامعه ستم زده مانزدیکتر شده اند و در صف اول مبارزات علیه رژیم قرار میگیرند * این جنبش بنا بر قواعد توان قوا و حجم و شدت سرکوب و پیوند ضعیف آن با جنبشهای عمومی اما پراکنده توان تشکیل سازمان واحد و سراسری اتحادیه خویش را در شرایط فعلی ندارد اما خصلت حرکات شعارها و اشکال مبارزاتی آنان که بخش بزرگی از آن منتج از خود بخودی و خود جوشی دمکراتیک بوده است نشان دهنده آن است که این جنبش به سمت و سوی استقلال از درگیریهای جناحین حرکت میکند حرکتی که تجارب مبارزاتی گرانمایی را در خود نهفته است * چنین است که اصلاح طلبان حکومتی اکنون برای حفظ موقعیت و ماندن در دایره قدرت در پی جایگزینی برای آن میباشد * گسست و شکست

ناگفته و نانوشته این جبهه در آینده‌ای نزدیک چنانچه فضای سیاسی و اجتماعی کشور دستخوش تنشها و تکانهای ملموس شود این امکان را برای هسته قدرتمند حاکم فراهم خواهد آورد تا به شستن توهمات احتمالی باقی مانده در این جبهه بپردازد و آن را با واقعیات قانونمند و سخت حکومت اسلامی سایش دهد و آشنا تر نماید. تیوری گسترش جبهه دوم خرداد و ایتلافهای جدید پیامی است به نیروهای ملی مذهبی و جمهوری خواهان در عرصه اپوزیسیون که پشت جبهه رفورمیستهای حکومتی در دایره قدرت را بیش از پیش فعال نمایند تا توازن قوا در درون حاکمیت و در خلاء و نبود حضور حمایتی دانشجویان و مردم از آنان همچنان پایدار بماند و شاخه خارج از کشور رفورمیستها در برابر این تبسم و چراغ سبز آنان بایستی که به فراموشی ارادی تاریخ فراموش نشدنی جنایات این رژیم بپردازد و بر شعار عمومی جدایی دین از دولت سایه افکند!

روزبه وین

ruzbeh2009@yahoo.de